

The mental image of Muslims in Bosnia and Herzegovina about Shiism

Nematolah Karamollahi

Associated Professor and Director of Department of Sociology, Baqerol Olum University, Qom, Iran (Corresponding author).

N.karamollahi@Gmail.com

Armina Rezvany

Master of Propaganda and Communications, Baqerol Olum University, Qom, Iran.

ARMINA.H.HASAGIC@GMAIL.COM

Salman Rezvany

phD candidate in Cultural Sociology, Tehran , iran.

REZVANI.SALMAN@GMAIL.COM

Abstract

Knowing the different attitudes towards Shiism can play an important role in propagating and introducing it. This article examines the meaning of Shiism in the lived experience of Muslims in Bosnia and Herzegovina. Its purpose is to discover the meaning that Bosnian Muslims have in their lived experience of the Shiite religion. The research was conducted using phenomenological method. After conducting 20 phenomenological interviews, the obtained data were coded and categorized, resulting in 15 main themes in two semantic domains. In other words, Shiism has two meanings in the lived experience of Bosnian Muslims. Some consider it a misguided sect and some consider it one of the Islamic religions. In the semantic field of "Shiism as a heretical sect" seven main themes: "general negative attitude", "suspicious", "destructive political presence", "Wahhabi activity against Shiism", "inappropriate presence in Bosnia", "obstacles to propaganda", "Conditional coexistence" has been extracted, which itself contains many sub-themes. Also, in the semantic field of "Shiism as an Islamic religion", eight other main themes have been discovered, which are: "Dimensions of Shiite superiority", "Difference; Accepted matter", "suspicious", "Shiism of unknown religion", "slandered and attacked Shiism", "conditions for successful propaganda", "possibility of coexistence and rapprochement" and "factors affecting a positive view of Shiism".

Keywords: Phenomenology, Shiism, Muslims in Bosnia and Herzegovina, lived experience.

تصویر ذهنی مسلمانان بوسنی و هرزگوین از مذهب تشیع

نعمت‌اله کرم‌اللهی

دانشیار و مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
N.karamollahi@Gmail.com

آرمینا رضوانی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تبلیغ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام)، تهران، ایران.
ARMINA.H.HASAGIC@GMAIL.COM

سلمان رضوانی

دانشجوی مقطع دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، تهران، ایران.
REZVANI.SALMAN@GMAIL.COM

چکیده

شناخت نگرش‌های مختلف به تشیع می‌تواند در تبلیغ و معرفی آن نقش مهمی ایفا کند. مقاله حاضر به بررسی تصویر ذهنی مسلمانان کشور بوسنی و هرزگوین از مذهب تشیع می‌پردازد. هدف آن کشف تعریفی است که مسلمانان بوسنی در تجربه‌زیسته خود از مذهب تشیع دارند. این پژوهش با اتخاذ رویکرد «چندروشی» کوشیده است تا سؤال‌های مطروحه را با روش «پدیدارشناسی» و روش «دلالت‌پژوهی» پاسخ دهد. در بخش اول مقاله، تحلیل داده‌های ۲۰ مصاحبه پدیدارشناسانه، ۱۵ مضمون اصلی در دو حوزه معنایی به‌دست آمده است. بر اساس یافته‌های این بخش، تشیع در تجربه‌زیسته مسلمانان بوسنی دو معنی دارد. گروهی آن را «فرقه ضاله» و گروهی نیز آن را «یکی از مذاهب اسلامی» می‌دانند. در بخش دوم، با بهره‌گیری از روش دلالت‌پژوهی مهم‌ترین دلالت‌های تبلیغی ناظر به این حوزه‌های معنایی استخراج و پیشنهادهایی نیز جهت تحقق آنها ارائه شد. برخی از دلالت‌های تبلیغی عبارت‌اند از: «مخاطب‌شناسی و رعایت سطوح مخاطبین»، «تفہیم مواضع سیاسی ایران و جبهه مقاومت و دستاوردهای انقلاب اسلامی»، «تبلیغ تشیع توسط شیعیان» و «توجه به اهمیت دین در زندگی».

کلیدواژه‌ها: پدیدارشناسی، تشیع، مسلمانان بوسنی و هرزگوین، تجربه‌زیسته.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۳
فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۱، پیاپی ۴۶، بهار ۱۴۰۲، صص ۲۲۹-۲۵۴

مقدمه و بیان مسئله

تبلیغ و معرفی آموزه‌های دین اسلام و مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) از وظایفی است که قرآن کریم آن را برعهده متدینین و حکومت‌های دینی گذاشته است، تا از طریق رساندن پیام حقیقت به مخاطب و آگاهی او از کلام وحی، وی را در مسیر رشد و هدایت قرار دهند.^۱ بدیهی است که ابلاغ پیام دین در عصر ارتباطات به مخاطب جهانی مستلزم شناخت عمیق فرهنگی و به تبع برقراری ارتباطات میان فرهنگی با مردم سایر جوامع به شیوه‌های گوناگون است.

یکی از این ملت‌ها، مردم بوسنی و هرزگوین هستند؛ کشور بوسنی به مثابه دروازه ورود اسلام به غرب و اروپا و نیز نقطه تلاقی و برخورد دو تمدن شرق و غرب قلمداد می‌شود. اکثریت مردم این کشور مسلمانان اروپایی‌الاصلی هستند که سابقه اسلام آوردن آنها به دوران حکومت عثمانی برمی‌گردد. مسلمانان بوسنی توانسته‌اند تا امروز اعتقادات و آداب و رسوم خود را نگه‌دارند، به طوری که به رغم تلاش دشمنان غیرمسلمان در دهه‌های اخیر و به ویژه در جنگ سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵م برای از بین بردن این نسل، اما با ایستادگی و مقاومت مردم مسلمان این منطقه و نیز کمک کشورهایی چون ایران، تاکنون موفق به این امر نشده‌اند.

امروزه جمهوری اسلامی ایران به رغم تأسیس شماری از مراکز آموزشی و فرهنگی - بنیاد فرهنگی آموزشی ملاصدرا، مؤسسه ابن سینا، مدرسه طه - با هدف تبلیغ آموزه‌های تشیع در کشور بوسنی و هرزگوین، اما، درصد بسیار اندک شیعیان بوسنی - کمتر از نیم درصد - نشانگر موفقیت اندک این قبیل فعالیت‌ها است.

به اعتقاد نگارنده و بر اساس تجربه زیسته حضور و زندگی در کشور بوسنی، یکی از علل ناکامی در معرفی تشیع در این کشور، عدم مطالعه علمی و شناخت واقع‌نگرانه مردم و فرهنگ این کشور و نیز دیدگاه آنان نسبت به تشیع است؛ این در حالی است که مخاطب‌شناسی از اصول مهم برقراری ارتباطات تبلیغی موفق است.

۱. خداوند در سوره توبه آیه ۱۲۲ می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ و شایسته نیست مؤمنان، همگی (برای جهاد) کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین، آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند، باشد که آنان (از کیفر الهی) بترسند؟».



همچنین، این واقعیت را نیز باید در نظر داشت که مسلمانان بوسنی و هرزگوین، که حدود نیمی از جمعیت نزدیک به چهار میلیونی این کشور را تشکیل می‌دهند، قرن‌هاست که پیرو مذهب حنفی بوده و این مذهب را تنها مذهب اسلامی یا همان «اسلام اصیل» می‌پندارند و به علت دوری از مناطق مسلمان‌نشین آسیایی، با مذاهب و فرق اسلامی دیگر آشنایی چندانی نداشتند.

با توجه به اینکه روش ارائه آموزه‌های دینی و به‌خصوص شیعی برای افراد و گروه‌های مختلف باید متناسب با ویژگی‌های فکری و فرهنگی آنان باشد، این پژوهش بر آن است تا با گونه‌شناسی کلی مسلمانان بوسنی برحسب نوع نگاه به تشیع، ویژگی‌های هر نگاه را نیز توصیف نماید؛ با این هدف که مشخص شود اساساً چه نوع نگاه‌هایی میان مردم بوسنی نسبت به تشیع وجود دارد و آنها چگونه شیعه را فهم می‌کنند؟ و همچنین، کدام روش ورود به مباحث اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌تواند برای هر کدام از آنها مناسب باشد تا بتواند در وضع سیاست‌های جامع و درعین حال واقع‌نگرانه و دقیق، برای آن منطقه نقش داشته باشد و همچنین مبلغینی را که علاقه‌مند به تبلیغ در آن دیار هستند، یاری نماید.

به علت کم‌ها و حمایت‌های فراوان ایران در سال‌های جنگ داخلی بوسنی و نیز وجود فرهنگ محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) در بین مسلمانان، به‌خصوص اهل تصوف بوسنی، ظرفیت بالقوه بالایی برای ایجاد ارتباطات دوسویه موفق وجود دارد. اگرچه هنوز خاطرات کم‌های ایران در دوران جنگ داخلی در ذهن افراد میان‌سال و کهن‌سال حضور دارد، اما برای نسل جوانی که تحت تأثیر فرهنگ و تبلیغات غرب و یا تحت تأثیر برخی کشورهای اسلامی معاند قرار دارند، ایران را کشوری غریبه و گاهی حتی دشمن تلقی می‌کنند. در میان این تهدیدات و چالش‌ها، تبلیغ صحیح مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) در عصر نوین، قطعاً نیازمند پژوهش‌هایی میدانی و به‌ویژه پژوهش‌های کیفی، از جمله پژوهش‌های پدیدارشناسانه است، که بتواند به‌طور عمیق ابعاد مختلف نگرش مسلمانان به تشیع را نمایان سازد. این پژوهش با اتخاذ موضع پدیدارشناسانه بر آن است تا تصویری ژرف و درون‌نگرانه از معنای مذهب تشیع در تجربه‌زیسته مردم بوسنی استخراج و ارائه نماید.

۱. هدف پژوهش

بررسی و صورت‌بندی معنایی نوع نگاه مردم بوسنی و هرزگوین به مذهب تشیع و استخراج و ارائه دلالت‌های این نحوه شناخت در عرصه تبلیغ دینی و پیشنهاد راهبردها.

۲. سؤالات پژوهش

- ۱- مردم کشور بوسنی و هرزگوین بر اساس تجربه‌زیسته خود، مذهب تشیع را چگونه تعریف و توصیف می‌کنند؟
- ۲- بر اساس تصویر ذهنی مردم بوسنی از مذهب تشیع، چه دلالت‌های تبلیغی می‌توان استخراج کرد و برای تحقق آنها چه راهبردهای علمی، سیاستی و اجرایی را می‌توان ارائه کرد؟

۳. پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه پژوهشی مسئله این تحقیق، پژوهشی که مشخصاً به دیدگاه مسلمانان یا پیروان ادیان دیگر در بوسنی و هرزگوین درباره مذهب تشیع یا ایران بپردازد، یافت نشد، اما برخی آثار را می‌توان تا حدی با موضوع این پژوهش مرتبط دانست و به‌عنوان پیشینه معرفی کرد که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود:

- نخستین کتابی که در بوسنی و هرزگوین و توسط خالد تولیچ از مبلغین وهابی بوسنیایی در باب تشیع نوشته شد، کتابی است که یک سال پس از پایان جنگ بوسنی و در سال ۱۹۹۶، با عنوان «شیطان بزرگ» نوشته شد. این اثر در تلاش است تا با معرفی مذهب شیعه به بوسنیایی‌ها، آنان را از تشیع بازدارد. این کتاب را می‌توان به‌عنوان مانیفست نگاه افراطی یا همان وهابی‌ها یا سلفی‌ها در بوسنی نسبت به تشیع دانست، چراکه سال‌ها بعد نیز این گروه‌ها در احتجاجات خود به آن رجوع می‌کنند و آن را یکی از منابع شناخت شیعه می‌دانند. «تولیچ» در این کتاب هم شبهات شخصی و نگاه بسیار منفی خود را نسبت به شیعه نشان می‌دهد و هم شبهات فراوانی را علیه این مذهب مطرح می‌کند. او همچنین به گفته خود، تجربه‌های همسایگان شیعه را در کشورهای اسلامی به‌عنوان شاهد مثال می‌آورد که آکنده از اغراق و افراط و دروغ است. به‌هرحال، این کتاب نمونه‌ای است از دیدگاه‌های مسلمانان سلفی بوسنیایی و محتوای آن می‌تواند به فهم دیدگاه منفی آنها به شیعه بیافزاید. البته، این کتاب فاقد روش علمی خاصی است و نگارنده اعتقادات خود را پشت‌سرهم بیان می‌کند، بنابراین معرفی آن نه به دلیل ارزش علمی، بلکه از این جهت است که معرف نگاه این جماعت به تشیع است.

- کتابی دیگری که از حیث محتوا به کتاب شیطان بزرگ شباهت دارد نیز در سال ۲۰۱۶ با عنوان «تفاوت‌های شیعیان با بقیه مسلمانان» به رشته تحریر درآمده



است. نویسنده کتاب سمیر امام‌ویچ، از مبلغین معاصر سلفی در بوسنی است. این کتاب نیز با هدف معرفی اعتقادات شیعه به بوسنیایی‌ها نوشته شد و مملو از شبهات اعتقادی و تاریخی است که نگارنده با دیدگاه سلفی خود به آنها پاسخ می‌دهد. او با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای سعی دارد بر اساس آیات و روایات نشان دهد که شیعه با بقیه مسلمانان تفاوت‌های بنیادین دارد و به بوسنیایی‌ها هشدار می‌دهد که از مبلغین شیعه بپرهیزند. این کتاب به‌طور منظم شبهات و دیدگاه‌های وهابی‌ها درباره شیعه را معرفی کرده است.

- پژوهشی به‌عنوان «زن مسلمان بوسنیایی و نمونه حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها)» به قلم خانم «آمیلا عمرسفتیچ» از پژوهش‌هایی است که بی‌طرفانه دنبال شناخت میزان آشنایی زنان بوسنیایی با شخصیت حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) است. این مقاله در سال ۲۰۰۳ در سارایوو در مجموعه مقالات همایش «اهل بیت (علیهم‌السلام) در بوسنی و هرزگوین» توسط انستیتوی «بن سینا» به چاپ رسیده است. از آنجایی که روش این تحقیق پیمایشی است و در واقع یک پژوهش میدانی درباره مردم بومی بوسنی است، برای پژوهش حاضر ارزشمند است، مخصوصاً که نگارنده آن به این نتیجه می‌رسد که آشنایی زنان مسلمان در بوسنی با این الگوی زن اسلامی بسیار کم و سطحی است و از این واقعیت ابراز تأسف می‌کند.

پس از مرور اجمالی برخی از پژوهش‌های پیشین، در مقام بیان نوآوری این پژوهش می‌توان به فقدان مطالعه روشمند و همدلانه علمی در خصوص شناخت نوع نگاه مردم بوسنی و هرزگوین از مذهب تشیع و استخراج دلالت‌های این شناخت در عرصه تبلیغ دینی، اشاره کرد.

همچنین بومی بودن پژوهشگر و تجربه‌زیسته او از میدان پژوهش و نیز درون‌نگرانه بودن این پژوهش، بداعت دیگری است که می‌تواند به لایه‌های عمیق نگاه مسلمانان بوسنی در باب شیعه دست پیدا کند؛ کاری که نتایج آن برای پژوهش‌های بعدی و نیز تصمیم‌سازی‌های تبلیغی، ارتباطی و فرهنگی راه‌گشا خواهد بود.

۴. تعریف مفاهیم

۴-۱. شیعه

در لغت به معنای پیرو است و در اصطلاح، به مسلمانانی که پیروان حضرت علی

(علیه‌السلام) و خاندان ایشان هستند، اطلاق می‌شود؛ کسانی که به جانشینی بلافضل ایشان پس از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) معتقدند.

در یک تعریف کلی می‌توان گفت: «شیعه» نام عمومی تمامی فرقه‌هایی است که قائل به امامت و خلافت بلافضل حضرت علی (علیه‌السلام) پس از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هستند و اعتقاد دارند: امامت از اولاد ایشان خارج نمی‌شود. تمام فرقه‌های شیعی معتقد به وجود تعیین و تنصیب امام از جانب خدا و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بوده، انبیاء و امامان معصوم (علیهم‌السلام) را از گناه مبرا و معصوم می‌دانند (دائرة‌المعارف تشیع، ۱۳۷۳، ص. ۶۲).

امامیه یا اثنی عشریه (شیعه دوازده‌امامی) به کسانی گفته می‌شود که گذشته از اعتقاد به امامت و خلافت بلافضل علی (علیه‌السلام)، پس از او حسن بن علی (علیه‌السلام) و حسین بن علی (علیه‌السلام) و نه فرزند حسین (علیه‌السلام) را که آخرین آنها مهدی موعود (عج) و امام قائم و غایب از دیده‌هاست، به امامت می‌پذیرند (برنجکار، ۱۳۹۰، ص. ۶۵).

شیعه فقط به یک گروه اطلاق نمی‌شود، بلکه به چند فرقه تقسیم می‌شود که مهم‌ترین آنها شیعه امامیه است و فرق اسماعیلیه و زیدیه نیز ذیل این مذهب قرار می‌گیرند.

پژوهش حاضر اصطلاح شیعه و تشیع را برای شیعه امامیه که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین گروه شیعی است، به کار می‌گیرد و بقیه فرقه‌ها را از این تعریف خارج می‌داند.

۴-۲. مسلمانان بوسنی و هرزگوین

بوسنی و هرزگوین کشوری است در منطقه بالکان در جنوب شرق اروپا، که در سرشماری سال ۲۰۱۳ دارای حدود ۵،۳ میلیون نفر جمعیت بوده که ۷،۵۰ درصد آن مسلمان هستند. این کشور کوچک بالکانی غربی‌ترین کشور اروپایی است که اکثریت مردم آن مسلمان هستند (Jašarević, 2018, p. 2).

آنچه معروف و مسلم است از زمان تسلط امپراتوری عثمانی در سال ۱۴۶۳ تاکنون اسلام، دین اکثریت مردم این منطقه بوده است. اسلام در بوسنی و هرزگوین همیشه با دو قرائت عرفانی و شریعت‌گرا بین عده زیادی از مردم نفوذ و رواج داشته است. مسلمانان بوسنی و هرزگوین در شریعت غالباً حنفی و در طریقت پیرو نقشبندیه، عبدالقادر گیلانی و مولانا جلال‌الدین رومی هستند و از لحاظ کلامی از دیدگاه‌های



ابوالحسن اشعری و ماتریدی پیروی می‌کنند (پیرمرادی، ۱۳۸۸، ص. ۶۴).

امروزه، مسلمانان بوسنی و هرزگوین با چالش‌های فراوانی مواجه هستند. با توجه به اینکه کشور بوسنی با کشورهای صربستان در شمال شرق و مونته‌نگرو در جنوب شرقی و کرواسی در غرب و شمال غربی هم‌مرز است، بوسنی و هرزگوین از نظر جغرافیایی و سیاسی در طول ۱۵۰ سال گذشته در بین دو قدرت ناسیونالیستی صرب و کروات قرار دارد. در واقع، این دو قدرت در عمق جغرافیایی و سیاسی بوسنی نفوذ کرده‌اند. به طوری که هم‌اکنون هرگونه تغییر در وضعیت سیاسی و اجتماعی بوسنی و هرزگوین، بدون دخالت مثبت یا منفی بلگراد و زاگرب غیرممکن است (عابدپور، ۱۳۸۴، ص. ۲۶).

افزون‌براین، گسترش تفکر سکولار و نزدیکی بوسنی به غرب، گرایش به دین اسلام را، مخصوصاً در میان جوانان به چالش کشیده است.

۳-۴. تجربه زیسته

پدیدارشناسی به مثابه روش در پی مطالعه «تجربه زیسته» افراد مورد مطالعه است. تجربه زیسته درکی مستقیم و بی‌واسطه است که فرد در بافت^۱ یا موقعیتی معین آن را می‌فهمد. تجربه زیسته مورد مطالعه روش‌های کیفی پژوهش است که در آن، با نوعی آگاهی بی‌واسطه همراه است (منصوریان، ۱۳۹۳). پژوهشگران با استفاده از مصاحبه و مشاهده مشارکتی می‌توانند به قلمروی تجربه زیسته جامعه پژوهش خود، نزدیک شوند. در میان روش‌های کیفی، پدیدارشناسی تأکید بیشتری بر این امر دارد.

ماکس وان مانن در کتاب خود به مفهوم «زیست جهان»^۲ اشاره می‌کند که به معنای «دنیایی از تجربه‌های زیسته» است. دنیایی که برای هر یک از ما زندگی روزمره را می‌سازد (منصوریان، ۱۳۹۳). مانن تأکید می‌کند که زیست جهان شامل چهار بعد می‌شود که عبارت‌اند از: تن زیسته، زمان زیسته، فضای زیسته و روابط انسانی زیسته. به عبارت دیگر، تجربه زیسته در این چهار قلمرو صورت می‌پذیرد و کلیت دنیای زندگی شامل همه این ابعاد می‌شود.

۴-۴. تبلیغ

معنی لغوی «تبلیغ» در لغت‌نامه دهخدا رساندن، وصل کردن، رسانیدن عقاید دینی

1. Context
2. Lifeworld

یا غیر آنها با وسایل ممکنه عنوان شده است. مریجی در کتاب خود این تعریف لغوی از واژه تبلیغ ارائه می‌نماید: «تبلیغ در لغت به معنی رسانیدن و خواندن کسی است به دینی، عقیده‌ای و مذهبی و مسلکی و روشی و کشیدن کسی به راهی که تبلیغ‌کننده قصد دارد. در فرهنگ عربی نیز تبلیغ، بلاغ و ابلاغ سه واژه در یک ریشه و به معنی رساندن است» (مریجی، ۱۳۹۵، ص. ۵۰).

در اصطلاح نیز تبلیغ معانی متعددی دارد که منظور از تبلیغ در این پژوهش، تبلیغ دینی است و سایر تعاریف تبلیغ مانند تبلیغ تجاری یا سیاسی مدنظر نیست. «فراگرد انتقال پیام اسلام از سوی فرستنده (با شرایط و ویژگی‌هایی که اسلام تعیین کرده است) برای گیرنده (همه مردم، مسلمانان، مؤمنان و...) با هدف آموزش یا اقناع یا برانگیختن مخاطب برای انجام یک عمل معین، مشروط بر آنکه در گیرنده پیام، مشابهت معنی یا معنی موردنظر فرستنده پیام ایجاد شود» (خندان، ۱۳۷۴، ص. ۱۸۹).

با توجه به موضوع مورد مطالعه که بر مخاطب‌شناسی به‌منظور تبلیغ تشیع تأکید دارد و به دنبال شناخت معنی تشیع در ذهن و تجربه زیسته مخاطب دارد، به نظر می‌رسد تعریف محسن خندان تناسب بیشتری با هدف این پژوهش دارد و به‌عنوان تعریف مختار این پژوهش، انتخاب شده است.

گرچه در پژوهش کیفی و به‌ویژه پژوهش پدیدارشناختی، که تلاش دارد معنای یک پدیده را در ذهن و تجربه اعضای جامعه یا گروه را کشف و تبیین نماید، چارچوب نظری به‌عنوان محدودیت آن در نظر گرفته نمی‌شود، اما پرداخت نظری و تعریف مفاهیم مدنظر پژوهش گر نقش مهمی دارد. تعریف مفاهیم و تبیین ابعاد و زوایای آن می‌تواند در طراحی سؤال‌ها برای انجام مصاحبه‌های پدیدارشناسانه کمک فراوانی نماید. بر این اساس، تشیع مفهومی اصلی است که در این پژوهش با آن سروکار داریم و معنای آن را در تجربه زیسته مسلمانان کشور بوسنی و هرزگوین جست‌وجو می‌کنیم.

۵. روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های چندروشی است به این معنی که برای پاسخگویی به سؤالات آن، پژوهشگر به‌جای یک روش، از چند روش بهره می‌گیرد. سؤال اول با استفاده از روش پدیدارشناسی و سؤال دوم با استفاده از روش دلالت‌پژوهی پاسخ داده شده است.

از آنجاکه بخش اول هدف پژوهش حاضر دستیابی به فهم عمیق از معنای تشیع



در ذهنیت مسلمانان بوسنی و هرزگوین است، بنابراین دستیابی به آن مستلزم بهره‌گیری از روش کیفی است. در ذیل انواع پژوهش‌های کیفی، «روش پدیدارشناسی»، به علت تناسب ویژگی‌های آن با این هدف، برای پاسخگویی به سؤال نخست پژوهش «معنی تشیع در تجربه‌زیسته مسلمانان بوسنی و هرزگوین» انتخاب شده است.

در روش تحقیق پدیدارشناسی، درک معنی در تجربه زیست‌جهان انسان‌ها محور اصلی را تشکیل می‌دهد. به گفته مائن، از نگاه پدیدارشناختی، «تحقیق کردن همواره به معنی پرسیدن در مورد نحوه تجربه ما از جهان است و به معنی خواستن شناخت جهانی که در آن به‌عنوان موجودات انسانی زندگی می‌کنیم و چون شناخت جهان عمیقاً به معنی بودن در جهان به نحو معین است، عمل جستجو کردن - مورد سؤال قرار دادن - نظریه‌پردازی کردن عمل ارادی پیوستن خود را به جهان است، تا به‌طور کامل‌تر بخشی از آن شویم یا به عبارت بهتر، خود آن جهان شویم» (Van Manen, 1990, p. 25).

هدف کلی تحلیل زیست‌جهان، که به سمت مسائل معرفت‌شناختی علوم اجتماعی جهت یافته، تحلیل فهم معنی با استفاده از توصیفی‌سازی از ساختارهای بنیادی غیرقابل تغییر ایجاد معنی در آگاهی ذهنی کنش‌گران است (فلیک و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۸).

در مراحل عملی انجام پژوهش حاضر، غالباً از مشارکت‌کنندگان دو سؤال گسترده و عمومی پرسیده شد:

- در مورد پدیده موردنظر چه تجربه‌ای دارید؟
- چه زمینه یا وضعیتی نوعاً بر تجربه شما از پدیده موردنظر تأثیرگذار است؟ (بودلایی، ۱۳۹۸، ص. ۴۵).

همان‌طور که در روش پدیدارشناسی متداول است، نمونه‌های این پژوهش هدفمند انتخاب شدند. پژوهشگران، برحسب مطالعات و تجربه‌زیسته خود از کشور بوسنی و هرزگوین، به دلیل تراکم جمعیت مسلمان در استان‌های اصلی مرکزی کشور، نمونه مورد مطالعه را از مسلمانان ساکن در این مناطق انتخاب کردند. در اجرای مصاحبه‌ها از روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای استفاده شده است.

غیر از دو سؤال اصلی که قبلاً آمد، چند سؤال نیمه‌باز کمکی دیگر نیز از مصاحبه شونده‌ها، پرسیده شد که هدف از آن، تکمیل جواب‌های کلی بود. سؤال‌های تکمیلی، شامل سؤال‌هایی در خصوص امکان همزیستی مذاهب مختلف اسلامی، نحوه نگرش به جریان‌ات سیاسی جهان اسلام و تشیع، منابع کسب اطلاعات درباره اسلام و تشیع،

نحوه نگرش به فعالیت مؤسسات شیعی یا ایرانی در بوسنی و هرزگوین و... بود. پس از گردآوری داده‌ها، فرایند تحلیل آنها آغاز شد. پدیدارشناسی نه به‌دنبال کشف ماهیت پشت‌پرده پدیده‌ها و نه رابطه علی و معلولی آنهاست؛ در پدیدارشناسی، هدف تحلیل داده‌ها رسیدن به یک هسته و جوهره اصلی است که پاسخگوی سؤال اصلی پژوهش باشد. به گفته بودلایی (۱۳۹۸) و خنیفر و مسلمی (۱۳۹۶) گام‌های تحلیل در پدیدارشناسی متعدد بوده و مشابهت‌های فراوانی باهم دارند. تحلیل داده‌های این پژوهش گام‌های شش‌گانه ذیل را طی کرده است:

- **مواجهه اولیه و بررسی داده‌ها:** در این مرحله، پژوهشگر با مطالعه مکرر داده‌ها، آزادانه افکار اولیه خود را یادداشت می‌کند.
- **تشخیص و برجسب‌زدن به مقوله‌ها - افق‌سازی:** در این مرحله، جملات کلیدی شناسایی و برجسته می‌شوند. آنها فراهم‌کننده نحوه شکل‌گیری تجارب مشارکت‌کنندگان در خصوص پدیده موردنظر هستند. به این گام افق‌سازی نیز گفته می‌شود چراکه همه گزاره‌ها باید دارای ارزش برابر باشند.
- **احصای گزاره‌های معنی‌دار و مهم مرتبط با پدیده موردنظر همراه با توصیف تجارب مشارکت‌کنندگان.**
- **فرموله کردن معنی:** در این گام پژوهشگر دسته‌ها و خوشه‌هایی از درون گزاره‌های مهم و معنی‌دار به شکل مضمون توسعه می‌دهد. تعیین حدود افق‌ها به‌عنوان کیفیت‌های ثابت و دسته‌های غیرتکراری و غیرهم‌پوشان سازنده تم‌ها، حائز اهمیت است.
- **فهرست کردن و خوشه‌بندی مقوله‌ها:** این مرحله، سازمان‌دهی مضامین استخراج‌شده از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها است. خوشه‌ها باید در رابطه با متن قابل درک باشند و این ارتباط از رفت‌وبرگشت پژوهشگر بین متن اولیه و مضامین استخراج‌شده به‌دست می‌آید. در این مرحله، یک جدول خلاصه از مضامین استخراج‌شده و نقل‌قول‌هایی که نشانگر آن هستند، تهیه می‌شود.
- **ترکیب نتایج:** در این گام، پژوهشگر توصیفی جامع از طریق اعمال یک نظم و ساختار به خوشه‌ها به‌دست می‌آورد. پژوهشگر از طریق یکپارچه‌سازی توصیفات متنی و ساختاری، به نگارش و توصیفی جامع، که جوهره پدیده را نمایان می‌کند، می‌پردازد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ج ۱، صص. ۱۸۴-۱۸۵؛ بودلایی، ۱۳۹۸، صص. ۴۳-۴۶).



جدول (۱): ویژگی‌های مصاحبه‌شونده‌ها

ردیف	مصاحبه‌شونده	سن	جنسیت	شغل	شهر اقامت	گرایش دینی
۱	۱م	۵۶	مرد	راننده بین‌الملل	کاکانی	گرایش به تشیع
۲	۲م	۴۵	مرد	راننده کامیون	کاکانی	اسلام سنتی بوسنیایی
۳	۳م	۴۵	مرد	کارمند راه‌آهن	زنیتسا	گرایش به تشیع
۴	۴م	۵۶	زن	کارمند کارخانه	کاکانی	اسلام سنتی بوسنیایی
۵	۵م	۲۲	زن	دانشجوی معماری	سارایوو	اسلام سنتی بوسنیایی
۶	۶م	۳۲	مرد	مهندس برق	کاکانی	اسلام سنتی بوسنیایی
۷	۷م	۶۰	مرد	بازنشسته	کاکانی	سلفی (وهایی)
۸	۸م	۳۵	مرد	کارشناس بازرگانی	فونیتسا	اسلام سنتی بوسنیایی
۹	۹م	۳۱	زن	دانشجوی ترافیک	کاکانی/سارایوو	اسلام سنتی بوسنیایی
۱۰	۱۰م	۲۸	مرد	دانشجو	ویسوکو	اسلام سنتی بوسنیایی
۱۱	۱۱م	۲۸	مرد	مهندس	ویسوکو	گرایش به تصوف
۱۲	۱۲م	۴۵	مرد	دبیر علوم اسلامی	گراچانیستا	تصوف
۱۳	۱۳م	۳۲	مرد	مهندس رایانه	ویسوکو/موستار	سلفی (وهایی)
۱۴	۱۴م	۳۴	مرد	کارمند	برزا	اسلام سنتی بوسنیایی
۱۵	۱۵م	۳۱	زن	مهندس	فونیتسا	اسلام سنتی بوسنیایی
۱۶	۱۶م	۳۹	زن	خانه‌دار	کاکانی	اسلام سنتی بوسنیایی
۱۷	۱۷م	۲۶	مرد	تاجر	کاکانی	اسلام سنتی بوسنیایی
۱۸	۱۸م	۳۱	زن	دانشجو	کاکانی	گرایش به تشیع
۱۹	۱۹م	۲۷	مرد	روحانی	کاکانی	اسلام سنتی بوسنیایی
۲۰	۲۰م	۲۲	زن	دانشجو	سارایوو	اسلام سنتی بوسنیایی

بخش دوم هدف پژوهش که در قالب سؤال دوم صورت‌بندی شده است، مربوط به دلالت‌های تبلیغی یافته‌های دست آمده از مصاحبه‌های پدیدارشناختی است. برای جواب دادن به آن، از روش دلالت‌پژوهی استفاده شده است.

دانایی‌فرد در تعریف «دلت‌پژوهی» می‌نویسد: «گاهی اوقات پژوهشگران می‌خواهند از سایر رشته‌ها از فلسفه‌های مختلف، از رشته‌های پایه‌ای، از یک چارچوب، از یک نظریه، از یک مدل، از یک ایده ابتدایی مطرح در سایر رشته‌ها رهنمودهایی قرض‌کنند و آن را در حوزه تخصصی خود به کار گیرند. نویسنده به این عمل، «دلت‌پژوهی» اطلاق می‌کند» (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵، صص. ۴۸-۴۹).

در این نوع پژوهش، پژوهشگر ابتدا مفاهیمی را که می‌خواهد از آنها دلالت‌هایی استخراج کند، مشخص می‌نماید، سپس به دنبال دلالت‌ها برای تک‌تک عناصر

مفهومی را جستجو می‌کند.

در پژوهش حاضر نیز، ابتدا مضامین و مفاهیم مربوط به معنی تشیع در تجربه‌زیسته مسلمانان بوسنی و هرزگوین به تفصیل توضیح داده شده و آنهایی که قرار است منبع دلالت‌ها باشد، تعیین شده است. سپس برحسب آنها، دلالت‌های ده‌گانه کلی جهت تبلیغ تشیع در آن کشور استخراج شده‌اند.

۶. یافته‌های پژوهش

از آنجاکه بر اساس سؤال‌های اصلی تحقیق، این پژوهش با اتخاذ موضع درون‌نگرانه و پدیدارشناختی، در پی کشف معنای تشیع در تجربه‌زیسته مردم بوسنی و هرزگوین است (سؤال اول)، تا بر اساس آن دلالت‌هایی ناظر به تبلیغ تشیع در این کشور را تنظیم و بر اساس این دلالت‌های پیشنهادهایی ارائه کند (سؤال دوم)، بنابراین در ادامه، ابتدا با بهره‌گیری از روش پدیدارشناسی، «معنای تشیع در تجربه‌زیسته مردم بوسنی» استخراج و صورت‌بندی خواهد شد و سپس «مهم‌ترین دلالت‌های تبلیغی» متناظر با این معنای کشف شده ارائه خواهد شد.

۶-۱. معنای تشیع در تجربه‌زیسته مردم بوسنی و هرزگوین

این بخش از یافته‌های پژوهش در صدد پاسخ به این سؤال است که «مردم کشور بوسنی و هرزگوین بر اساس تجربه‌زیسته خود، مذهب تشیع را چگونه تعریف و توصیف می‌کنند؟»

نتایج به‌دست آمده از مصاحبه‌ها، حاصل کوشش در جهت کشف معنا و انگاره‌های ذهنی مصاحبه‌شونده‌ها - مسلمانان بوسنی و هرزگوین - درخصوص تشیع و تلاش برای دریافت تحلیل‌ها و تفاسیر آنهاست. نتیجه تحلیل داده‌ها کشف دو حوزه‌ی کلی موضوعی و معنایی و همچنین ۱۵ مضمون اصلی است.

نتایج به‌دست آمده از داده‌های گردآوری شده در دو حوزه معنایی کلی جداگانه تنظیم شده‌اند که در این بخش به توصیف و تفسیر آنها پرداخته می‌شود. با توجه به تجربه‌های کاملاً متفاوت و گاه متضاد مصاحبه‌شونده‌های بوسنیایی از تشیع، مضامین اصلی به‌طور مجزا برای هر حوزه معنایی ساماندهی شدند. این دو حوزه، عبارت است از «تشیع به‌عنوان فرقه ضاله» و «تشیع به‌عنوان مذهب اسلامی»، که با دو دیدگاه کلی مصاحبه‌شونده‌ها مطابقت دارد. به بیان دیگر، با مطالعه مصاحبه‌ها، مشخص شد که به‌طور کلی، همه مصاحبه‌شوندگان، تشیع را یا یک فرقه ضاله دور از عقاید اصیل



اسلامی و یا یکی از مذاهب اسلامی با عقاید خاص خود، تعریف می‌کنند. البته، دیدگاه سومی نیز کشف شد که نه فقط تشیع را مذهبی اسلامی می‌داند، بلکه ابعاد برتری آن را نسبت به سایر مذاهب نیز مطرح می‌کند. این دیدگاه در ذیل حوزه معنایی دوم، یعنی «تشیع به‌عنوان مذهب اسلامی» آمده است و یکی از مضامین اصلی آن به حساب می‌آید.

۶-۱-۱. تشیع به‌عنوان فرقه ضاله

درون‌مایه «فرقه ضاله»، با مضامین فرعی آن تشیع را یک فرقه گمراه دانسته و عقاید شیعی را خارج از قلمرو عقاید اسلامی ارزیابی می‌کند. این گروه از افراد مورد مطالعه، به‌طور کلی تشیع را رد کرده‌اند، دلایل و توضیحات آنها در رد تشیع در هسته‌های معنایی ذیل آمده است: «نگرش کلی منفی»، «شبّهات»، «موانع تبلیغ»، «مواضع سیاسی منفی»، «حضور نامناسب» و «همزیستی مشروط». همه این مضامین از منظر ضلالت و طرد تشیع ارائه می‌شوند. برخی از مضامین، مانند «شبّهات» ممکن است در درون‌مایه دوم اصلی، یعنی «تشیع به‌عنوان مذهب اسلامی» شبّهات اسمی داشته باشد، اما مضامین فرعی ذیل آن متفاوت است، چراکه افق‌های دید مصاحبه‌شونده‌های دو گروه باهم متفاوت بوده و حتی مقابل هم قرار می‌گیرند.

مصاحبه‌شونده‌هایی که نظرات آنها زیرمجموعه اعتقاد به ضلالت و مردود بودن تشیع است، نگرش کلی منفی را نسبت به آن، صرف‌نظر از جزئیات یا دلایل این نظر، گزارش می‌کنند. آنها حس منفی خود را نسبت به تشیع در دو بعد، که ما آن را به‌عنوان دو مضمون سازمان‌دهنده آورده‌ایم، بیان می‌کنند. این مضامین شامل «بُعد فرهنگی» و «عدم مقبولیت» تشیع است.

این دسته از مشارکت‌کنندگان به ابعاد منفی فرهنگی پدیده تشیع می‌پردازند. آنها فرهنگ تشیع را منفی و غیرقابل قبول برای یک جامعه مسلمانان ارزیابی می‌کنند؛ به‌عنوان نمونه یکی از اشکال‌های عمده تشیع را «مناسک‌گرایی» تشیع دانسته، به این معنی که شیعیان بیشتر به مناسک و مراسم خود می‌پردازند، تا به اصول دین اسلام. حتی آن‌را با مناسک‌گرایی برخی بوسنیایی‌ها تشبیه می‌کنند با عبارت: «از عناصر شیعی این است که برای مراسم به مسجد می‌روند، ولی برای نماز نمی‌روند».

همچنین «حوری» را یکی از ایرادهای عمده تشیع مطرح می‌کنند. معتقدند که تشیع به انسان جایگاه مرکزی و اصلی می‌دهد و از خدا غافل می‌شود. یعنی، اعطای

جایگاه بیش از حد به انسان در تشیع را متضاد اسلام می‌دانند. در بُعد دوم نگرش منفی کلی به تشیع، «عدم مقبولیت» تشیع از ابعاد مختلف بررسی شدند.

مصاحبه‌شونده‌ها، معیارهایی را عنوان می‌کنند که بر اساس آنها، تشیع مورد قبول مسلمانان و حتی انسان‌ها، واقع نمی‌شود. یکی از این معیارها «زیبایی‌شناسی» است: «عزاداری‌ها و خودزنی‌های شیعیان نه انسانی هستند و نه زیبا» و «مراسم ایرانی شاد و قشنگ نیست». معیار دوم مردود بودن تشیع، «عقل و منطق» است. برخی مصاحبه‌شونده‌ها بیان می‌کنند که «اعتقادهای شیعه مخالف عقل سلیم هستند»، «خیلی از موضوع‌های شیعه غیرمنطقی است» یا «با عقل سلیم جور در نیاید». معیار سوم، «اصول دین اسلام» است. این گروه باور دارد که تشیع اساساً از اصول دین خارج است و به خاطر همین نمی‌توان آن را یک مذهب معتبر اسلامی دانست. مثال‌هایی از این نظر عبارت‌اند از: «کارهای شیعیان مخالف قوانین خداست»، «چون اصول تشیع از ماهیت اسلام خارج است، دیگر نیازی نیست به جزئیات بپردازیم». در همین راستا، اصطلاح‌هایی مانند «بت‌پرست»، «مشرک» یا «کافر» به پیروان تشیع نسبت می‌دهند. یکی از اصلی‌ترین و پرتکرارترین گزاره‌های مورد اشاره مصاحبه‌شونده‌ها، طرح شبهه‌های متعدد علیه تشیع است. آنها این شبهه‌ها را در قالب اطلاعات یا باورها و یا احساساتی که درباره تشیع دارند، ابراز می‌کنند. این شبهه‌ها در سه حوزه «اعتقادی»، «فقهی» و «تاریخی» مطرح هستند. به نظر می‌رسد که همین شبهه‌ها، از مهم‌ترین دلایل نگرش منفی و گمراه‌انگاری تشیع بوده و گویا شبهه‌ها برای آنها مسائل پاسخ‌ناپذیری هستند و تاکنون نیز پاسخ آنها را دریافت نکرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه در حوزه شبهه‌های اعتقادی شبهه‌هایی در حوزه توحید مانند: «عدم اعتقاد به خدا»، «بت‌پرستی»، «توسل و حاجت‌طلبی»، «مردده‌پرستی» و یا «قائل بودن به کرامات اولیاء» را مطرح می‌کنند.

همچنین شبهه‌های متعددی را در حوزه «نبوت» مطرح می‌کنند؛ شبهه‌هایی مانند: «نقصان و تحریف قرآن»، «ختم نبوت» و در حوزه امامت شبهه‌هایی نظیر «انتظار امام مهدی (عج)»، «جایگاه ائمه (علیهم‌السلام)»، «افراط در گرایش به اهل بیت (علیهم‌السلام)»، «عصمت»، «علم لدنی اهل بیت (علیهم‌السلام)» و «رد خلفا» را مطرح می‌کنند، که به دلیل رعایت اختصار فقط به بیان عناوین آنها بسنده می‌شود. مضمون سوم این درون‌مایه، «حضور مخرب سیاسی» تشیع است. مصاحبه‌شونده‌ها، تشیع را مترادف ایران به‌عنوان یک کشور شیعی دانسته و از حضور سیاسی آن در منطقه غرب آسیا یا جاهای دیگر و نیز از روابط آن با کشورهای



اسلامی و جهان انتقاد داشته و آن را دلیلی بر گمراهی و مردود بودن تشیع و سیاست‌های ایران می‌دانند. این دیدگاه عمدتاً نتیجه تبلیغات سنگین رسانه‌ای علیه ایران و جبهه مقاومت و نیز فعالیت‌های مستمر ضد تشیع گروه‌های وهابی در بوسنی و هرزگوین است. علاوه بر این، خلأ اطلاعاتی و خبری و عدم حضور مؤثر رسانه‌های شیعی و جبهه مقاومت باعث تقویت این نوع نگرش شده است. حضور مخرب سیاسی خود شامل چند مضمون فرعی است: «جنگ با مسلمانان» که به‌عنوان نمونه به جنگ سوریه و یمن اشاره دارند. مضمون «رابطه مشکوک با آمریکا» که معتقد به دوستی پنهان با آمریکا هستند و مضمون «اختلاف‌افکنی» که به‌طور مثال به «اختلاف با عربستان»، «عدم سازش با کشورهای اسلامی» و «قدرت‌طلبی» و «اصرار بر تغییر دیگران» اشاره می‌کنند.

یکی دیگر از مضامین اصلی درون‌مایه «تشیع به معنی فرقه ضاله»، مضمون «فعالیت وهابیت علیه تشیع» می‌باشد. این مضمون و مضامین فرعی ذیل آن، مبین یکی از مهم‌ترین دلایل نگاه منفی به تشیع است، چراکه اکثر مصاحبه‌شونده‌هایی که این نظر را دارند، یا عضو فعال گروه‌های وهابیت هستند یا به دلیل ارتباط با گروه‌های وهابی از آنها تأثیر می‌پذیرند و ویژگی‌های وهابیت را تحسین می‌کنند. مضامین سازمان‌دهنده ذیل این مضمون اصلی عبارت‌اند از: «ویژگی‌های قانع‌کننده وهابیت»، «آشنایی وهابیت با تشیع»، «فعالیت‌های عملی علیه تشیع» و «انتقاد از جامعه اسلامی».

به گفته مصاحبه‌شونده‌ها، از ویژگی‌های قابل تحسین گروه‌های وهابی، می‌توان به «بیان قوی، مستدل و مستند» آنها اشاره کرد. به نظر می‌رسد که بیانات، سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های وهابی‌ها در بوسنی و هرزگوین قوی و انکارناپذیر است، از این‌رو، بسیاری از مردم تحت‌تأثیر این سخنرانی‌ها قرار می‌گیرند. مصاحبه‌شونده‌ها اینگونه توصیف می‌کنند: «باید منصف باشیم که وهابی‌ها، همه چیز را با دلیل می‌گویند با قرآن و حدیث» یا «آنها بدون دلیل محکم جواب نمی‌دهند. این روش درستی است» و «علمای وهابیت بیان قوی دارند». همان‌طور که در بخش‌هایی از مصاحبه‌ها آمده است، نحوه بیان و استناد به آیات و روایات قابل ستایش و از نقاط قوت وهابیت محسوب می‌شود. علاوه بر نحوه بیان، مصاحبه‌شونده‌ها معتقدند که پیروان وهابیت، «اسلام اصیل» را رعایت می‌کنند و هیچ انحرافی را قبول نمی‌کنند، که این امر بر حقانیت آنها می‌افزاید، مانند این جملات: «اسلام آنها ریشه‌دار و ناب است، اسلامی که از آیه و حدیث گرفته شده است»، «دوست دارند اسلام اصیل و منحرف نشده را رعایت کنند». یکی از اعضای

سابقه‌دار گروه‌های وهابی این‌گونه با افتخار بیان می‌کند: «گروه ما از همه فعال‌تر و مملو از جوانان است. اسلام اصیل و حقیقت، آنها را جذب می‌کند». فراتر از آن، تعدادی از مصاحبه‌شونده‌ها وهابی‌ها را «میراث‌داران اسلام ایثارگر» می‌نامند، یعنی کسانی که برای اعتقاد خود، حاضرند تا پای جان پیش بروند. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید: «وهابیت، گروهی بودند که در جنگ نشان دادند که ایثارگرند. سربازان آمریکایی هر چقدر هم که تجهیزات داشته باشند، حاضر نیستند برای اعتقاد جانشان را از دست بدهند. آمریکایی‌ها را گروهی (وهابی‌ها) اذیت می‌کند که حاضرند برای اعتقادهای خود کشته شود. این گروه میراث‌دار این نوع انسان‌ها هستند. واقعاً برای اسلام حاضرند کشته شوند».

همچنین باور دارند که وهابی‌ها در مقابل دشمن «شجاعت» دارند و «اعتماد به نفس» بالایی نیز دارند: «وهابی‌ها شجاع هستند. به غرب وابسته نیستند و از آنها نمی‌ترسند» و «وهابیت، اعتماد به نفس بالایی دارند و از عقایدشان کوتاه نمی‌آیند». مصاحبه‌شونده‌ها، درباره ویژگی‌های مثبت فعالیت‌های تبلیغی وهابی‌ها، چندین نظر دارند. عده‌ای به «جذب جوانان»، «زبان ساده»، «حماسی بودن» و «در دسترس بودن» وهابی‌ها اشاره کردند و برخی نیز از «رهبری قوی آنها» و «اصرار بر تبلیغ ارزش‌های واقعی اسلام» نام بردند. جذب جوانان توسط وهابیت از نقاط قوت آن محسوب می‌شود، چراکه به بیان یکی از مصاحبه‌شونده‌ها، قدرت واقعی در دست کسی است که بتواند نیروی جوان را جذب نماید. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها اذعان می‌کند «۹۵ درصد جوانانی که به نماز جمعه می‌آیند، توسط این نوع اسلام جذب می‌شوند».

بر اساس گزاره‌های مطرح شده توسط عده‌ای از مصاحبه‌شونده‌ها که تشیع را فرقه گمراه می‌دانند، مؤسسات شیعی و پیروان آنها حضور مناسب و مطلوبی در بوسنی نداشته و ندارند. این معنی را می‌توان در مضامین فرعی مانند «فعالیت‌های مؤسسات شیعی»، «فعالیت شیعیان بومی در شبکه‌های اجتماعی» و «سوءاستفاده از کمک در جنگ بوسنی» یافت.

مضمون اصلی بعدی که از گزاره‌های مطرح شده توسط مصاحبه‌شونده‌ها در حوزه معنایی «تشیع؛ فرقه ضاله» استخراج شده است، مضمون «موانع تبلیغ» است که شامل مضامین فرعی چندگانه است. به بیان دیگر، گروهی از مصاحبه‌شونده‌ها که تشیع را یک فرقه گمراه و افراطی می‌دانند، قائل به عدم موفقیت تشیع در تبلیغ خود در بوسنی و هرزگوین بوده و برای این باور خود، دلایل مختلف می‌آورند، که به عنوان مضامین سازمان‌دهنده «پایبندی بوسنیایی‌ها به مذهب خود»، «نقش



جامعه اسلامی» و «شرایط سیاسی» آمده است.

مضمون «همزیستی مشروط»، آخرین مضمون حوزه معنایی «تشیع به‌عنوان فرقه ضاله» است. با توجه دیدگاه قائلین به این معنی از تشیع، از آنان سؤال شد که آیا با چنین فرقه‌ای، همزیستی یا وحدت امکان‌پذیر هست؟ در پاسخ به این سؤال، همه مصاحبه‌شونده‌های این گروه، قائل به وحدت واقعی با تشیع نبوده و برای همزیستی با تشیع شرایطی را مطرح می‌کنند. گزاره‌های این مضمون در دو مضمون فرعی: «عدم اتحاد واقعی» و «شروط همزیستی و تقریب» سازمان‌دهی شدند، که هر کدام نیز دارای چند مضمون فرعی هستند.

جدول (۱): جدول مضامین تشیع به‌عنوان فرقه ضاله

مضامین استخراجی	حوزه موضوعی	پدیده
نگرش منفی کلی	تشیع به‌عنوان فرقه ضاله	معنای تشیع در تجربه‌زیسته مسلمانان بوسنی و هرزگوین
شبهه‌ها		
موانع تبلیغ		
تبلیغ وهابیت علیه تشیع		
مواضع سیاسی منفی		
حضور نامناسب		
همزیستی مشروط		

۶-۱-۲. تشیع به‌عنوان مذهب اسلامی

بنابر یافته‌های این پژوهش، مسلمانان بوسنی و هرزگوین و همچنین مصاحبه‌شونده‌ها، تجربه و درک واحد و یکسان از پدیده تشیع ندارند، هر چند برخی از گزاره‌ها ممکن است میان همه آنها مشترک باشد.

در حوزه دوم موضوعی استخراج شده در این پژوهش، به هشت مضمون اصلی می‌پردازیم که تشیع را یکی از مذاهب اسلامی با عقاید خاص خود می‌داند. مصاحبه‌شونده‌های این گروه، قائل به گمراهی تشیع و تکفیر آن نیستند؛ حتی تعدادی از مصاحبه‌شونده‌ها تشیع را به‌عنوان صحیح‌ترین مذهب می‌پذیرند. این دسته از مصاحبه‌شونده‌ها، برآنند که انسان‌ها در انتخاب دین و مذهب خود آزادند و داشتن عقاید متفاوت به معنای گمراهی صاحب آن نیست. داده‌های این حوزه موضوعی در هشت مضمون اصلی ذیل آمده است که در ادامه به هر کدام از آنها

به‌طور جداگانه خواهیم پرداخت: «ابعاد برتری تشیع»، «شبیهات»، «اختلاف؛ پدیده پذیرفته‌شده»، «تشیع؛ مذهب شناخته‌نشده»، «تشیع مورد تهمت و حمله»، «امکان هم‌زیستی»، «شرایط تبلیغ موفق» و «عوامل مؤثر بر دیدگاه مثبت به تشیع».

یک گروه از مصاحبه‌شونده‌ها، نه‌تنها قائل به گمراهی و تکفیر تشیع نیست، بلکه حتی آن را مذهب برتر می‌دانند. این افراد به تشیع علاقه و گرایش دارند و به زوایای مثبت تشیع می‌پردازند؛ البته این زوایای مثبت عمدتاً از دریچه سیاست، قدرت و استقلال جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است. این مضمون اصلی شامل چهار مضمون سازمان‌دهنده می‌شود: «صحت تشیع»، «برتری سیاسی»، «برتری فرهنگی» و «برتری علمی».

گرچه مصاحبه‌شونده‌های ذیل این حوزه معنایی، تشیع را یک مذهب اسلامی می‌دانند که مانند سایر مذاهب عقاید خاص خود را دارد، اما آنها نیز شبیهه‌های مختلفی در مورد تشیع به زبان می‌آورند. البته، شبیهه‌های آنها به مراتب کمتر از شبیهاتی است که قائلین به گمراه بودن تشیع، مطرح می‌کنند. برخی از شبیهه‌ها میان این دو گروه مشترک است، اما تفاوت عمده این دو دیدگاه این است که اولی تشیع را گمراه و منحرف می‌داند و دومی شبیهه‌ها را نه نشانه گمراهی تشیع، بلکه به‌عنوان شنیده‌های غیرقابل فهم از تشیع بیان می‌کند، که لزوماً دلیل بر گمراهی تشیع نیست. اما به دلیل فقر شناخت و نیز خلأ اطلاعاتی موجود چه در فضای مجازی و چه در فضای حقیقی و مجالس و مساجد، این قبیل شبیهه‌ها، ذهن این دسته از مصاحبه‌شونده‌ها را مشغول کرده است. این شبیهه‌ها در چهار مضمون فرعی «شبیهه‌های اعتقادی»، «شبیهه‌های فقهی»، «شبیهه‌های تاریخی» و «شبیهه‌های فرهنگی» قابل طرح هستند.

مضمون اصلی بعدی، «اختلاف؛ امری پذیرفته‌شده» است. این مضمون بیانگر دیدگاه تعدادی از مصاحبه‌شونده‌هاست که وجود اختلاف در جوامع انسانی را امری رایج و پذیرفته شده می‌دانند. بنابراین دلیلی برای محکومیت یا تکفیر دیگران وجود ندارد. آنها معتقدند که همه انسان‌ها نمی‌توانند مثل هم زندگی و فکر کنند و یا باوری یکسان داشته باشند و به همین دلیل ادیان و مذاهب مختلف در دنیا وجود دارد. این مضمون در خود هشت مضمون فرعی را جای داده است: «رد ظاهرگرایی»، «اهمیت باطن»، «اختلاف امری طبیعی و انسانی»، «وعده اختلاف میان مذاهب اسلامی توسط پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)»، «نقش دشمن در تشدید اختلاف‌ها»، «شبهات در عین تفاوت»، «تشیع به‌عنوان یک مذهب متفاوت».



یکی از مضامین اصلی این پژوهش، ناظر به «ناشناختگی تشیع» و عدم آگاهی یا ناکافی بودن شناخت بوسنیایی‌ها، نسبت به این مذهب است. بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها به این موضوع پرداخته و نسبت به تشیع اظهار بی‌اطلاعی و یا کم‌اطلاعی کردند. ناشناخته بودن تشیع یکی از مهم‌ترین مسائل در تجربه‌زیسته بوسنیایی‌ها است. حتی افراد علاقه‌مند به تشیع نیز آشنایی اندکی از آن دارند. دلایل این امر را می‌توان در چندین زمینه جستجو کرد. در این پژوهش، این زمینه‌ها به‌عنوان مضامین فرعی ذیل مضمون اصلی ناشناختگی تشیع ارائه شده‌اند. مضامینی شامل: «ویژگی‌های مردم بوسنی»، «مذاهب به‌مثابه پدیده نوین در بوسنی»، «کمبود شناخت از تشیع»، «نقش جامعه اسلامی بوسنی» و «عدم حضور شیعیان».

از درون‌مایه «تشیع به‌عنوان مذهب اسلامی» مضمون دیگری نیز استخراج شده است که قابل توجه است و آن «تشیع مورد تهمت و حمله» می‌باشد. این مضمون شامل سه مضمون فرعی است که عبارتند از «جو منفی رسانه‌ای»، «فعالیت‌های وهابیت» و «دشمنی غرب با تشیع». همه مضامین فرعی بر زمینه‌های پیدایش مضمون اصلی، یعنی تهمت زدن و هدف قرار دادن تشیع، مؤثر بوده‌اند.

اکثر مصاحبه‌شونده‌هایی که تشیع را به‌عنوان مذهب اسلامی قلمداد کردند، امکان هم‌زیستی یا تقریب با آن را نیز پذیرفتند. البته، برخی برای هم‌زیستی و وحدت مذاهب شرایطی مطرح کردند و برخی نیز وحدت میان مسلمانان را ضروری دانستند. مضمون «امکان هم‌زیستی» شامل مضامین فرعی ذیل است: «بعید بودن شکل‌گیری جامعه اسلامی فراگیر»، «آزادی و معارفه»، «هم‌زیستی مشروط» و «وحدت».

مصاحبه‌شونده‌هایی که تشیع را یکی از مذاهب اسلامی می‌دانند، درباره شرایط و بهبود تبلیغ آن در میان مردم بوسنی و هرزگوین نیز سخن گفتند. از این مضمون اصلی، سه مضمون فرعی استخراج شده است که عناوین آنها عبارت‌اند از: «لزوم گسترش فعالیت‌های شیعی»، «تبلیغ وحدت‌محور» و «رشد تدریجی آگاهی». این موضوع به‌ویژه توسط مصاحبه‌شونده‌هایی مطرح شد که گرایش به تشیع دارند یا مواضع سیاسی ایران را تحسین می‌کنند و یا به پژوهش بیشتر علاقه دارند.

آخرین مضمون حوزه معنایی «تشیع به‌عنوان مذهب اسلامی»، ناظر به عوامل مؤثر بر دیدگاه مثبت نسبت به تشیع است. گروهی از مصاحبه‌شونده‌ها با سوابق و گرایش‌های مختلف، نگاهی بسیار مثبت به تشیع دارند. آنها اغلب با دفاع از مواضع سیاسی ایران در منطقه و جهان، بسیاری از ویژگی‌های ایران و شیعیان را تحسین کردند. با توجه به اینکه در حوزه معنایی قبلی «تشیع به‌عنوان فرقه ضاله» نگاه

متضاد نگرش حاضر ارائه شد، به نظر می‌رسد که کاوش زمینه‌ها و عوامل این نگرش مثبت دارای اهمیت است.

جدول (۲): جدول مضامین تشیع به‌عنوان مذهب اسلامی

مضامین استخراجی	حوزه موضوعی	پدیده
ابعاد برتری نسبت به سایر مذاهب	تشیع به‌عنوان مذهب اسلامی	معنای تشیع در تجربه‌زیسته مسلمانان بوسنی و هرزگوین
شبهه‌ها		
اختلاف؛ امری پذیرفته‌شده		
امکان همزیستی		
مذهب شناخته‌نشده		
مذهب مورد تهمت		
شرایط تبلیغ موفق		
عوامل مؤثر بر دیدگاه مثبت به تشیع		

۲-۶. دلالت‌های تبلیغی و پیشنهادی راهبردی

پس ارائه پاسخ به سؤال اول، در این بخش از یافته‌های پژوهش پاسخ سؤال دوم ارائه خواهد شد و « - بر اساس تصویر ذهنی مردم بوسنی از مذهب تشیع، چه دلالت‌های تبلیغی می‌توان استخراج کرد و برای تحقق آنها چه راهبردهای علمی، سیاستی و اجرایی را می‌توان ارائه کرد؟»

همان‌طور که آمد، در کنار کشف و توصیف تصویر ذهنی مسلمانان بوسنی و هرزگوین نسبت به مذهب تشیع، بخش دوم هدف این پژوهش ناظر به بهره‌گیری از این تصویر ذهنی به‌عنوان منبع دلالت‌های تبلیغی و ارائه پیشنهادها علمی، سیاستی و اجرایی برای تبلیغ اثربخش‌تر تشیع در کشور بوسنی و هرزگوین است. به‌عبارت‌دیگر، در این پژوهش، بعد از درک نگرش مسلمانان بوسنیایی به تشیع، سعی می‌شود رهنمودهایی جهت معرفی صحیح تشیع در آن دیار استخراج و ارائه شود.

برای پرهیز از تفصیل بحث، دلالت‌های تبلیغی درون‌مایه‌های معنایی استخراج و پیشنهادهایی در سه حوزه سیاست‌گذاری، علمی - پژوهشی، عملی و اجرایی در قالب جدول شماره ۳ ارائه شده است:



جدول (۳): دلالت‌های تبلیغی درون‌مایه‌های معنایی و پیشنهادها

پیشنهادها	دلالت‌های تبلیغی	علمی - پژوهشی	سیاست‌گذاری	عملی و اجرایی توسط مؤسسات شیعی در بوسنی
	مخاطب‌شناسی و رعایت سطوح مخاطبین	انجام پژوهش‌هایی با موضوعات مشابه جهت شناسایی انواع دیدگاه‌های مردم بوسنی و هرزگوین به تشیع و سنجش فراوانی و عوامل آن	برنامه‌ریزی و آماده‌سازی محتوای معرفی تشیع و ارزش‌های آن برای سطوح مختلف از مخاطبین	تنوع بخشی به فعالیت‌های فرهنگی در قالب فعالیت‌های پوششی نظیر اقتصادی، خیریه‌ای، ارتباطات توریستی، ازدواج‌های میان‌فرهنگی
	پاسخگویی به شبهه‌ها	تهیه پاسخ‌های متقن و کوتاه و عامه‌فهم برای شبهه‌های مطرح علیه تشیع به زبان بوسنیایی	برنامه‌ریزی در راستای تقویت و آمادگی شیعیان جهت پاسخگویی به شبهه‌ها پرورش متخصصین مذاهب سنی و وهابیت در میان مبلغین تشیع ایجاد وبگاه و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی غنی به‌منظور پاسخ به شبهه‌ها	فعالیت در فضای مجازی ویژه پاسخگویی به شبهه‌ها
	تفہیم مواضع سیاسی ایران و جبهه مقاومت و دستاوردهای انقلاب اسلامی	تهیه، تألیف و ترجمه آثار علمی مربوط به مواضع سیاسی ایران، انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت	اختصاص بودجه و برنامه‌ریزی جهت معرفی سیاست‌های بین‌المللی ایران و انقلاب اسلامی در قالب نوشته‌ها و فیلم مستند	برگزاری نشست‌ها با موضوع معرفی ایران اسلامی معرفی ایران اسلامی در فضای مجازی
	تبلیغ تشیع توسط شیعیان	پژوهش‌ها برای شناخت تاریخچه ورود تشیع به بوسنی و منطقه بالکان	برنامه‌ریزی جهت تربیت مبلغین آشنا به فرهنگ و زبان بوسنیایی در جهت تبلیغ اعتقادات اسلامی برنامه‌ریزی دوره‌های کوتاه‌مدت معرفی تشیع برای مبلغین و علاقه‌مندان	اعمال دقت لازم در انتخاب افرادی جهت اعزام برای تحصیل در ایران و توجه به توانایی‌ها و استعدادهای آنها
	توجه به دشواری‌های تبلیغ در بوسنی	انجام پژوهش‌ها در حوزه جامعه‌شناسی و فرهنگ بوسنی و هرزگوین	با توجه به وضعیت اقتصادی نامساعد کشور بوسنی، در گسترش فعالیت‌های تبلیغی، امور خیریه و عام‌المنفعه مدنظر قرار گیرد	توجه به تقویت شیعیان سرشناس به‌منظور سپردن مسؤلیت رهبری شیعیان آن کشور به فردی بوسنیایی ایجاد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی جهت معرفی تشیع به زبان بومی و با توجه به ظرافت‌های فرهنگی میزبان
	توجه به اهمیت دین در زندگی روزمره زندگی و سبک زندگی	انجام پژوهش‌های کیفی و کمی در خصوص اصل جایگاه دین در زندگی مسلمانان بوسنی و هرزگوین	توانمندسازی و آموزش افرادی که طلبه حوزه‌های علمیه در ایران می‌شوند، در رشته‌های دیگر علمی و فنی حرفه‌ای	راهنمایی و هدایت شیعیان بوسنی و هرزگوین در امور روزمره زندگی و سبک زندگی

پیشنهادها دلالات‌های تبلیغی	علمی - پژوهشی	سیاست‌گذاری	عملی و اجرایی توسط مؤسسات شیعی در بوسنی
فعالیت مستمر و پرنرگ در رسانه‌ها	تحقیقات بیشتری در حوزه جامعه‌شناسی و فرهنگ، تأثیرپذیری مردم از رسانه‌ها و نقش روش‌های تبلیغی مختلف	در اختصاص بودجه‌های تبلیغی، فعالیت‌های فضای مجازی و روش‌های نوین تبلیغ جایگاه ویژه‌ای داشته باشد.	در جهت فعال نمودن شیعیان بوسنی در فضای مجازی به‌طور تخصصی و مستمر اقدام نمایند. توجه ویژه به فرآوری منابع سنتی شیعی و ارائه آن به روش‌های نوین تبلیغی و رسانه‌ای
تبلیغ وحدت‌محور	پژوهش‌هایی در حوزه نقش زبان، آداب و رسوم فارسی و شیعی در بوسنی و هرزگوین پژوهش‌ها در خصوص تقریب مذاهب و امکان همزیستی ادیان و مذاهب	برنامهریزی و اختصاص بودجه برای برگزاری دیدارها و گفتگوهای بین دینی و بین مذهبی	اجرای فعالیت‌های وحدت‌بخش برای شیعیان بوسنی مانند گفت‌وگوهای بین مذهبی و دینی
حضور در بین مردم	انجام پژوهش‌هایی با استفاده از روش‌های ارزیابانه در خصوص نقش و تأثیر فعالیت‌های مؤسسات شیعی بین مردم بوسنی	تقویت وضعیت اقتصادی و معیشتی شیعیان در بوسنی و هرزگوین به‌منظور رهایی شیعیان از دغدغه‌های معیشتی و حضور مؤثر آنها در جامعه بوسنی و هرزگوین	فعال نمودن شیعیان بوسنی در فضای عمومی جامعه شرکت در مراسم بزرگ فرهنگی و مذهبی بوسنی و هرزگوین به‌منظور تقویت حضور شیعیان در میان مردم

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، افراد مورد مطالعه از طریق مصاحبه عمیق، با ارائه فهم و تعریف خود از پدیده تشیع، آن را از افق‌های معنایی مختلف خود به بحث گذاشتند. آن‌گونه که گذشت، دو حوزه معنایی اصلی می‌تواند پدیده تشیع را در ذهن مسلمانان بوسنیایی شرکت‌کننده در این پژوهش، تفسیر نماید. حوزه اول، تشیع را یک فرقه ضاله، گمراه، نامطلوب و خارج از چارچوب مذاهب اسلامی می‌داند. این نحوه نگاه به تشیع در قالب مضامین و گزاره‌های مختلفی از سوی مصاحبه‌شونده‌ها بیان شده است. «تشیع به‌عنوان فرقه ضاله» شامل درون‌مایه‌هایی چون نگرش کلی منفی، شباهت علیه تشیع، تبلیغ وهابیت علیه تشیع، مواضع مخرب سیاسی، موانع تبلیغ، حضور نامناسب شیعیان در بوسنی و همزیستی مشروط است. اما، حوزه معنایی دوم با عنوان «تشیع به‌عنوان مذهب اسلامی»، تشیع را یکی از مذاهب رسمی دین اسلام می‌داند و آن را به گمراهی و ضلالت متهم نمی‌کند. حتی در پاره‌ای موارد قائل به



برتری برخی از ابعاد تشیع بر اهل سنت، هستند. در این حوزه معنایی، گرچه مصاحبه‌شونده‌ها شبهه‌هایی را درباره تشیع مطرح کردند، اما درعین حال این شبهه‌ها را دلیل گمراهی شیعیان ندانسته و همچنین اختلاف عقیدتی را امری طبیعی و انسانی تفسیر می‌کنند. این گروه از افراد مورد مطالعه، کمبود اطلاعات، توجه کم به اختلاف‌های مذاهب و نیز سابقه طولانی غلبه مذهب حنفی در بوسنی را موجب عدم آشنایی مردم بوسنی و هرزگوین با تشیع می‌دانند. این دسته از مصاحبه‌شونده‌ها همچنین معتقدند، وابستگی رسانه‌های آن کشور به رسانه‌های جریان غالب غربی، فعالیت‌های وهابیت و اصرار جامعه اسلامی بوسنی بر پیروی مردم از یک مذهب واحد، موجب شده تا تشیع هدف تهمت، شایعات و حملات مختلف قرار گیرد.

مضامینی که در دو حوزه معنایی به‌دست آمده‌اند، پژوهشگران و متولیان امر تبلیغ تشیع در بوسنی و هرزگوین و نیز شیعیان دغدغه‌مند بوسنیایی را به این نتیجه می‌رساند که عدم شناخت صحیح و عدم حضور پُررنگ شیعیان و همچنین شمار اندک آنها باعث شده که نگرش‌ها به تشیع بسیار متفاوت و متنوع و معمولاً همراه با شبهات و تردید یا آشنایی سطحی باشد. همه مصاحبه‌شونده‌ها از کمبود منابع عمیق و مؤثر درباره تشیع و حتی ایران ابراز گلهمندی کردند. به نظر می‌رسد پراکندگی شیعیان و مؤسسات شیعی ایرانی و نداشتن یک هویت مشخص باعث شده که آنها در جامعه بوسنی و هرزگوین به شمار نیامده و فعالیت‌های آنها با تأثیر اندکی همراه باشد. حتی کمک‌های ایران در جنگ بوسنی، که اکثر بوسنیایی‌ها از آن خاطره مثبتی دارند، در آستانه فراموشی و یا در دست تحریف از سوی گروه‌های وهابی است. به نظر می‌رسد که گروه‌های رقیب تشیع و در رأس آن گروه‌های وهابی، که توسط کشورهای غربی و عربی حمایت می‌شوند، در حوزه تبلیغ چهره‌به‌چهره در میان مردم و نیز تبلیغ در فضای مجازی، اعم از فعالیت در وبگاه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، موفق شدند ویژگی‌هایی چون شجاعت، مردمی بودن، الگوی عملی بودن، در دسترس بودن و... را که معمولاً مختص مبلغین شیعی بوده است، به خود نسبت بدهند. وهابیت در طول سال‌های پس از جنگ توانسته است خود را به‌عنوان واسطه اطلاعات درباره تشیع و متخصص اختلافات میان شیعه و سنی، جا بزنند و اعتماد بسیاری از مردم کم‌اطلاع را نیز جلب کنند. گرچه علمای زیادی در بوسنی خواهان عدم اطلاع و شناخت مردم بوسنی از دیگر مذاهب اسلامی هستند، اما در عصر حاضر و به مدد رسانه‌های متنوع عمومی و مجازی، چنین خواستی امکان تحقق ندارد. بنابراین، بهتر است مبلغان شیعی با بهره‌گیری از فرصت‌های موجود، تشیع را به

جهانیان معرفی نمایند. متأسفانه، پراکندگی و عدم وحدت مراکز شیعی ایرانی و به تبع آن، پراکندگی و عدم ارتباط مستمر شیعیان بومی فعال در این قبیل مراکز، از قدرت تأثیر تشیع در بوسنی کاسته و باعث شده تا شیعیان موفق به ایفای نقش تبلیغی مؤثر، نشوند؛ البته در میان شیعیان بوسنی افراد سرشناسی حضور دارند که توانایی احراز جایگاه مرجعیت فکری و تبلیغی تشیع را داشته و خواهند توانست در درازمدت محور اتحاد شیعیان و نیز محل مراجعه علاقه‌مندان به تبیین عقاید تشیع در جامعه بوسنی و هرزگوین قرار گیرند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- برنجکار، رضا (۱۳۹۰). *آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی*. قم: کتاب طه.
- بودلایی، حسن (۱۳۹۸). *روش تحقیق پدیدارشناسی*. تهران: اندیشه احسان.
- پیرمرادی، محمدجواد (۱۳۸۸). *بررسی وضعیت فرهنگی مسلمانان بوسنی و هرزگوین*. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، (۴۰)، ۵۹-۸۴.
- خندان، محسن (۱۳۷۴). *تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۶). *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: انتشاران نگاه دانش.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۵). *روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیادها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا*. *فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم اجتماعی*، (۸۶)، ۳۹-۷۲.
- دائرة المعارف تشیع (۱۳۷۳). *سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع*. تهران: انتشارات شهید سعید محبی.
- دهخدا، اکبر (۱۳۶۳). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشکده ادبیات و علوم اسلامی.
- عابدپور، سعید (۱۳۸۴). *مسئله هویت در بوسنی و هرزگوین*. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، (۲۱-۲۲)، ۲۲-۳۱.
- فلیک، اووه؛ فون کاردورف، ارنست و اشتاینکه، اینس (۱۳۹۷). *راهنمای روش تحقیق کیفی*. ترجمه ستار محمدی تلور، تهران: انتشارات روش‌شناسان و جامعه‌شناسان.



ماریجی، شمس‌الله (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی در عرصه تبلیغ دینی*. قم: دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام).

منصوریان، یزدان (۱۳۹۳). بازتاب «تجربه‌های زیسته» در پژوهش. *سخن هفته لیزنا*، (۱۹۲): <https://www.lisna.ir/Note/16060>.

JASAREVIĆ (2018). *Eldina, Islam i muslimani u Bosni i Hercegovini*. Institut Goethe, Sarajevo.

VAN MANEN, Max (1990). *Researching Lived Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy*. State University of New York Press, Albany.

Reference

The Holy Quran.

Abidpour, Saeed (1384). The issue of identity in Bosnia and Herzegovina, *Strategic Studies of the Islamic World*, 86.

Boudelai, Hassan (1398). *Phenomenological research method*, first edition, Tehran: Andisheh Ehsan.

Brajnkar, Reza, (1390). *Familiarity with Islamic sects and religions*, 14th edition, Qom: Taha book.

Danai-Fard, Hassan (1395). *Methodology of implication studies in social and human sciences: foundations, definitions, importance, approaches and implementation stages*, *Social Sciences Methodology*, No. 86.

Dekhoda, Akbar (1363). *Dekhoda dictionary*, first edition, Tehran: Faculty of Islamic Literature and Sciences.

Encyclopedia of Shiism (1373). "A Tour of Shiism Culture and History", Tehran: Shahid Saeed Mohebi Publications.

Flick, Uwe, Ernst von Kardorff, Innes Steinke (1397). *Qualitative Research Methodology Guide*, translated by Sattar Mohammadi Tellor, first edition, Tehran: Methodology and Sociology Publications.

JASAREVIĆ (2018). *Eldina, Islam i muslimani u Bosni i Hercegovini*, Institut Goethe, Sarajevo.

Khandan, Mohsen (1374). *Islamic Propaganda and Knowledge of Social Communication*, first edition, Tehran: Islamic Propaganda Organization.

Khanifar, Hossein, Moslami, Nahid (1396). *The Principles and Basics of Qualitative Research Methods*, (1), 1st Edition, Tehran: Negah Danesh Publications.

Mansourian, Yazdan, (1393). reflection of "lived experiences" in research, *Lizna weekly speech*, (192).

Mariji, Shamsullah (1395). *Sociology in the field of religious propaganda*, third edition, Qom: Bagheral Uloom University (AS).



Pirmoradi, Mohammad-Javad (1388). Studying the cultural situation of Muslims in Bosnia and Herzegovina, Strategic Studies of the Islamic World, No. 40.

VAN MANEN, Max (1990). Researching Lived Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy, State University of New York Press, Albany.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

